

- دوره دوم از شکست سال‌های ۱۹۲۵-۱۹۲۴ تا سال ۱۹۴۵ ادامه می‌یابد.
 - دوره سوم از سال‌های ۱۹۴۶-۴۷ آغاز می‌شود که این بار کارگران ترکیه
 تشکل‌های پایدارتری به وجود می‌آورند.

۱- آغاز شکل‌گیری طبقه کارگر در ترکیه:

مبارزات کارگری در ترکیه عثمانی از سال‌های ۱۸۴۵ شروع می‌شود. کارگران با آغاز شکل‌گیری خود به عنوان یک طبقه، برای به دست آوردن حقوق اجتماعی و سیاسی خویش، دست به مبارزه زدند. به همین خاطر دولت عثمانی برای مقابله با تحرکات کارگران در سال ۱۸۴۸ نظام‌نامه‌ای صادر و به نیروی انتظامی ابلاغیه‌ای می‌فرستد مبنی بر آن که به پلیس امکان قانونی می‌دهد تا با احتمال اعتصابات کارگری مقابله کند. در این ابلاغیه چنین آمده: «جمعیت‌های کارگری و عمده که به بهانه‌های مختلف اقدام به رها کردن کارویار خود می‌کنند، به خاطر جلوگیری از انقلاب باید دفع و ایزوله شوند.»

هم‌چنین قانون اساسی سال ۱۸۷۶ دولت عثمانی در ارتباط با افرادی که می‌توانند به مجلس راه یابند، می‌نویسد: «اعضای مجلس اعیان از جانب پادشاه انتخاب خواهند شد. به ازای هر پنجاه هزار مرد یک نماینده انتخاب می‌شود. این نماینده نبایستی در زمان انتخاب در خدمت کسی باشد.» و هم‌چنین اضافه می‌کند که افرادی می‌توانند به عنوان نماینده انتخاب شوند که «صاحب ملک باشند و به دولت مالیات پردازند.» یعنی به موجب این بند مزدبگیران و کارگران نمی‌توانستند کاندید شوند. همین بند موجود در قانون اساسی دولت عثمانی خود به تنهایی گواه وحشت رژیم است که امپراطوریش از خاورمیانه تا بخش قابل ملاحظه‌ای از اروپا را دربر می‌گرفت. سلسله اعتصابات که در دوره یاد شده اتفاق افتاده بود بی‌مورد نبودن این وحشت را از جانب امپراطوری نشان می‌دهد. از جمله: اعتصاب کارگران درس‌خانه‌های

استانبول در سال ۱۸۷۲. در این اعتصاب ۶۰۰ کارگر (ترک و غیرترک) پیش صدراعظم در کاخ امپراطوری رفتند و نامه‌ی اعتراض‌آمیزی نسبت به کم بودن حقوق‌شان به او دادند. در عین حال این اعتصاب، اولین نمونه اتحاد طبقاتی کارگران از ملیت‌های مختلف است. در همان سال ۳۰۰ کارگر «کوندورای بی‌کوزه» استانبول به خاطر عدم دریافت به‌موقع حقوق ماهیانه دست به اعتصاب می‌زنند. به این‌ها، اعتصابات کارگران راه‌آهن و کارگران تلگراف‌خانه‌ها را نیز می‌توان افزود. هم‌چنین در سال ۱۸۷۵ دو اعتصاب، در سال ۱۸۷۶ سه اعتصاب، در سال ۱۸۷۸ نیز سه اعتصاب و بالاخره در سال ۱۸۷۹ چهار اعتصاب به‌وقوع پیوسته است. همه‌ی این‌ها گویای به‌میدان آمدن طبقه کارگر برای مقابله با سرمایه‌داران در آن دوره تاریخی است.^۳

به‌دنبال چنین اوضاع و احوالی در سال ۱۸۹۵ یک عده از کارگران کارخانجات اسلحه‌سازی استانبول «جمعیت عمه عثمانی»^۴ را ایجاد می‌کنند. این جمعیت نشریات و نظرات «اتحاد عثمانی» را - که مرکز آن در پاریس بود - دنبال می‌کرد. بنیان‌گذاران این جمعیت که برای سازمان‌یابی خویش الگوی کارگران پاریس را برگزیده بودند، از یک طرف کارگران را برای به‌دست آوردن مطالبات اقتصادی‌شان سازمان می‌دادند و از طرف دیگر به‌طور مخفی فعالیت‌های سیاسی می‌کردند. این جمعیت از یک‌سو تلاش می‌کرد تا اندیشه‌های «مانیفست کمونیست» را در میان کارگران گسترش دهد و از طرف دیگر کارگران را برای سرنگون کردن استبداد پادشاهی تشویق کند.^۵ البته این سازمان بیش از یک سال دوام نیافت. رهبران و تعداد زیادی از کارگرانی که وارد این تشکیلات شده بودند، دستگیر، شکنجه، زندانی و تبعید شدند. تعدادی از تبعیدشدگان از تبعیدگاه‌های خود فرار کردند و دوباره در فعالیت‌های سیاسی و سازمان‌یابی کارگران شرکت نمودند. در این دوره پس از بسته شدن «جمعیت عمه عثمانی» به‌جز تعدادی کمیته‌های کارگری، شکل کارگری دیگری سازمان

داده نشده است.

با افزایش تشکلهای صنفی و سیاسی در سالهای ۱۹۰۶ به ابتکار رضابیک کارگر فنی و با سابقه‌ی کارخانه هرکه^۴، جمعیت «کلوب سلامت عمومی»^۵ سازمان داده شد. بعداً این کلوب «فرقه (حزب) دموکرات عثمانی» را سازمان داد. بی‌تردید دوست‌داران رضا بیگ در صفوف این فرقه جای گرفتند. هدف فرقه پایان دادن به سیستم ستم و وادار کردن حاکمیت به پذیرش حقوق و آزادی‌های اجتماعی بود.^۸

هم‌چنین سولکلر - یکی از نویسندگان تاریخ جنبش کارگری ترکیه در دوره یاد شده - می‌نویسد: «در آن روزها سرکوب اعتصابات کارگری و دستگیری رهبران اعتصابات کارگران توتون در میان مردم با عکس‌العمل‌های جدی‌ای روبه‌رو شده بود. همه خواهان سرنگونی این سیستم بودند، سیستمی که وابسته به وحشت و ستم پادشاه بود.» در این دوره ژون ترک‌ها^۹ منبع عظیم مخالفت‌های اجتماعی بودند. از سویی فشارهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی بر کارگران، دهقانان و آزادی‌خواهان مبارزه‌ای متشکل را اجتناب‌ناپذیر می‌ساخت. بنابراین سر برآوردن انواع تشکلهای کارگری و غیرکارگری برای مقابله با رژیم پادشاهی حاکم، نتیجه منطقی و ضروری مبارزه‌ی بعدی بود.

۲- سال ۱۹۰۸ و شرایط نوین برای کارگران :

حزب «اتحاد و ترقی» که در سال ۱۸۸۹ به صورت یک کمیته سیاسی مخفی در استانبول سازمان داده شده بود، در مدت کوتاهی رشد بی‌سابقه‌ای کرد و انقلابی را که در غرب به انقلاب «ژون ترک‌ها» معروف است، رهبری کرد. این انقلاب که در ترکیه به نام «مشروطه دوم» شناخته می‌شود، در واقع انقلاب بورژوازی ترکیه است که تحت تأثیر انقلابات غرب و انقلاب ۱۹۰۷ - ۱۹۰۵ روسیه برای محدود ساختن اختیارات مطلق پادشاه، کارکرد قانون اساسی و

برقراری رژیم پارلمانتاریستی انجام گرفت و در واقع برای نجات امپراطوری عثمانی و مدرنیزاسیون آن تلاش می‌کرد. طبیعتاً کارگران که - با توجه به شرکت در اعتراضات اجتماعی و اعتصابات، خود را در این انقلاب شریک می‌دانستند - با استفاده از فرصت به دست آمده برای سازمان دادن خود تلاش فوق‌العاده‌ای را آغاز کردند.

در تاریخ ۲۴ جولای ۱۹۰۸ پس از اعلام رسمی حاکمیت قانون اساسی و دعوت برای برپایی مجلس، کارگران نیز حق قانونی برای ایجاد انجمن‌های کارگری و سندیکاها را به دست آوردند. آن زمان که توده‌های مردم با شعار «آزادی، عدالت و برابری» به کوچه‌ها و خیابان‌ها ریخته بودند، «توده‌های کارگران برای نجات از استثمار و به دست آوردن حقوق خویش دست به قیام زدند. در اصل فضای اجتماعی برای چنین حرکتی آماده بود.»^{۱۰} پس از آغاز دوره مشروطیت دوم، جنبش کارگری جان تازه‌ای گرفت و مبارزه را آغاز کرد که دولت «اتحاد و ترقی» تنها با کودتا توانست از آن جلوگیری کند.

پیش از این که به بررسی این مبارزات پردازیم، بهتر است تصویری از شرایط قبلی و زمینه‌هایی که انقلاب به وجود آورده بود، داشته باشیم:

در ترکیه قبل از انقلاب ۱۹۰۸، سرمایه‌داری و صنعتی شدن به کندی و با شرایط نیمه فئودالی کشور رشد می‌کرد. انقلاب به همان نسبتی که به رشد سریع صنایع کمک کرد، به افزایش کمی طبقه کارگر نیز یاری رساند. طبقه کارگر که از نظر کمی افزایش پیدا می‌کرد برای حفظ منافع طبقاتی خویش و دفاع از آن شروع به سازمان یافتن در تشکل‌های کارگری نمود. کارگران راه‌آهن‌های شرق و آنادولو، جمعیت تعاون مستخدمین شموئدفرها (راه‌آهن) و کارگران و مأمورین راه‌آهن بغداد، جمعیتی ایجاد کردند که این جمعیت توانست یک اعتصاب برنامه‌ریزی شده را سازمان دهد. این اعتصاب مهر خود را بر موج اعتصابات که ترکیه را بعداً فراگرفت، نقش زد. کارگران مطبوعات در استانبول،

«جمعیت مرتبین عثمانی» (این تشکل کارگران مطبوعات، حتا کوشش‌هایی را برای برقراری ارتباط با جنبش بین‌المللی کارگران به عمل آورد)، کارگران توتون رژی استانبول که در «جمعیت اتحاد عمه (کارگر)» گرد آمده بودند، برای ایجاد یک فدراسیون سراسری تلاش کردند. مکانیک‌های کشتی در استانبول «جمعیت مکانیک‌ها» را ایجاد کرده بودند. در نظام‌نامه این جمعیت، کمک مالی به کارگران اعتصابی از خزانه سندیکا - حتا خارج از اعضای سندیکا - آمده بود. خیاطان، سلمانی‌ها، کارگران کارگاه‌ها و دیگر مراکز کوچک در سندیکاهای خود گرد آمدند و یا تلاش می‌کردند که خود را متشکل سازند. شرایط جدید سیاسی هم‌چنین اوضاع را برای رشد و گسترش جنبش سوسیالیستی مساعد کرده بود. در اوضاع جدید و نسبتاً دموکراتیک، تشکل‌های متمایل به سوسیالیسم اجازه سازمان‌یابی علنی یافتند. در حالی‌که تا آن موقع به‌خاطر وجود سانسور در مطبوعات حتا استفاده از کلمه سوسیالیسم ممنوع بود. برای اولین بار روزنامه‌های سوسیالیست کارگری به چاپ رسیدند. گسترش اندیشه‌های سوسیالیستی در میان کارگران در سازمان‌یابی طبقه کارگر، رشد سریع اعتصابات و سمت‌گیری جنبش طبقه کارگر در جهت سوسیالیزم تأثیر به‌سزایی داشت.^{۱۱}

طبقه کارگر ترکیه که به‌سوی سازمان‌یابی در تشکل‌های طبقاتی مستقل خویش حرکت کرده بود، برای به‌دست آوردن شرایط بهتر کار و افزایش دستمزد به پر قدرت‌ترین وسیله - یعنی اعتصاب - اهمیت فوق‌العاده زیادی می‌داد و برای فشار به دولت، از آن به‌عنوان برنده‌ترین سلاح استفاده می‌کرد. در واقع اعتصابات کارگری که پس از انقلاب ۱۹۰۸ در ترکیه آغاز شد از لحاظ توده‌ای و تداوم، در جنبش کارگری ترکیه یک رویکرد نوین بسیار تأثیرگذار بود.

اولین اعتصابات بعد از سال ۱۹۰۸، از جانب کارگران راه‌آهن‌های بلغارستان، یونان و مناطق نزدیک به صربستان آغاز گردید. به‌دنبال آن در بعضی از معادن ذغال سنگ، کارخانجات توتون آنکارا و استانبول هم، اعتصاب شروع شد.

نکات مشترک تمام این اعتصابات، افزایش دستمزد و اصلاح شرایط بسیار وخیم کار بود.^{۱۲} در پی این اعتصابات، سی اعتصاب دیگر در عرض سی روز در ماه‌های آگوست و سپتامبر به وقوع پیوست. مهم‌ترین این اعتصابات در خطوط راه‌آهن ترکیه انجام گرفتند. تشکل‌های کارگری در سازمان دادن این اعتصابات نقش بسیار برجسته‌ای داشتند. در رابطه با این اعتصابات روزنامه اقدام در شماره ۱۵ سپتامبر سال ۱۹۰۸ خود این‌گونه نوشت:

«در خطوط راه‌آهن حیدرپاشا، آنکارا، اسکی شهر، کونیا (قونیا)، بولقورلو^{۱۳} و کلیه شعبات وابسته، کادی کوی^{۱۴} و اطراف آن دست به تظاهرات زدند. در پایان این تظاهرات در بیانیه‌ای که جلوی درب ایستگاه حیدرپاشا آویزان کرده بودند، نوشته شده بود که پس از ورود آخرین قطار به ایستگاه کلیه کارگران به‌طور کامل به اعتصاب خواهند پیوست.»^{۱۵}

حال بد نیست نگاهی هم به اخباری که در روزنامه‌های ماه سپتامبر سال ۱۹۰۸ به‌طور مرتب دیده می‌شد بیان‌دازیم.

«کارگران کارخانه آجر آلاتینی به‌خاطر عدم قبول خواسته‌های‌شان دایر بر پنجاه درصد افزایش دستمزد، دست به اعتصاب زدند.»

«در سلانیک کارگران دو مرکز تجارت توتون به‌خاطر عدم پذیرش خواسته‌های‌شان دایر بر افزایش ۳۰ درصدی حقوق اعتصاب کردند.»

«به‌خاطر اعتصاب کارگران در وارنا^{۱۶} هیچ‌گونه معامله تجاری به‌عمل نمی‌آید.»

«در شیموندفرهای (راه‌آهن‌های) روملی سلانیک^{۱۷} اعتصاب شروع شده. اعتصاب به منطقه خط ماناستر^{۱۸} نیز سرایت کرده است.»

«در خطوط آهن دمیرکاپی - متروپچه و اوسکوپ^{۱۹} کارگران و کارمندان کار را تعطیل کرده‌اند.»^{۲۰}

یکی از اعتصابات با اهمیت این دوره اعتصاب عظیم کارگران معادن

ذغال سنگ ذونقولداق^{۲۱} است. هم زمان با این اعتصاب کارگران سواحل کشتیرانی نیز دست به اعتصاب می‌زنند. این کارگران برای جلوگیری از حمل و نقل ذغال سنگ ۱۵ لکوموتیو را از کار می‌اندازند... . بالاخره دولت عثمانی در پاسخ به درخواست کمپانی فرانسوی ارغلی^{۲۲} از حوزه معادن ذونقولداق و دیگر شرکت‌های خارجی با ارسال ارتش برای پایان دادن به اعتصابات به معادن ذونقولداق موافقت می‌کند.^{۲۳}

برای جلوگیری از طولانی شدن مطلب به برشمردن دیگر اعتصابات و اعتراضات کارگران در آن دوره نمی‌پردازم. فقط باید یادآور شد که این در واقع بخشی از اعتراضات و اعتصابات کارگری ثبت شده در آن دوره تاریخی بودند که این‌جا به آن‌ها اشاره کردم.

کارگران با شناخت ماهیت ضد کارگری «حزب اتحاد و ترقی» در برابر آن ایستادگی و سیاست‌های ضد کارگری آن‌را افشا نمودند. حاکمیت عثمانی که اوضاع را این‌گونه دید، قوانینی برای محدود کردن حقوق و آزادی‌های حقوق‌سندیکایی کارگران به تصویب مجلس رساند. هرچند که این سیاست‌های رژیم از جانب نمایندگان سوسیالیست در مجلس مورد حمله قرار گرفت اما به هر حال به اجرا گذاشته شد. با تمام این احوال کارگران در این دوره با استفاده از انتشار روزنامه‌هایی چون کارگر در سال ۱۹۰۹ آگاهی طبقاتی خود را بالا بردند. درست در این اوضاع و احوال حاکمیت عثمانی در سی و یکم ماه مارس ۱۹۰۹ اعلام حکومت نظامی کرد. در واقع شرایط جدید، اعلام حکومت نظامی را برای دولت عثمانی به خاطر حفظ حاکمیت خویش اجباری کرده بود.

قبل از این‌که حکومت نظامی ماهیت حزب «اتحاد و ترقی» را افشا کند، این حزب با حمایت آشکارش از امپریالیسم آلمان خود را رو در روی کارگران قرار داده و ضدیت‌اش با طبقه کارگر را به وضوح نشان داده بود. به طور نمونه می‌توان به اعتصاب کارگران خط آهن «بالیا - قارا آردین» اشاره کرد که نمایندگان فرقه

«اتحاد و ترقی» کارگران اعتصابی را برای پایان دادن به اعتصاب‌شان مورد تهدید قرار دادند. هم‌چنین این حزب بنابه پیشنهاد دولت آلمان برای ایجاد محدودیت در حقوق سندیکایی کارگران از هیچ تلاشی کوتاهی نکرد. قانون موقتی که از طرف مجلس در تاریخ ۲۵ سپتامبر ۱۹۰۸ برای محدود کردن حقوق سندیکاهای به تصویب رسیده بود هنوز به تصویب مجلس نرسیده، عملاً از جانب این حزب به اجرا گذاشته شده بود.

طبق اسناد وزارت تجاری ترکیه در سال ۱۹۱۰ در مجموع ۱۰۸۴ مرکز صنعتی در ترکیه به کار مشغول بوده، از این تعداد ۵۵۷ عدد آن به تولید مواد غذایی، ۹۶ عدد بافندگی، ۴۲ عدد چینی‌سازی، ۳۲ عدد صنایع پوست، و ۲۲ عدد به صنایع شیمیایی اختصاص داشتند. هم‌چنین طبق آمار دیگری در سال ۱۹۱۳، حدود پنجاه هزار کارگر در کارخانجات به کار مشغول بودند.

۳ - تلاش احزاب برای جذب کارگران:

وقتی طبقه کارگر توانست توان خویش را بر تحولات اجتماعی به اثبات برساند و در جابه‌جا کردن قوانین جامعه لیاقت طبقاتی خویش را نشان دهد، احزاب مختلف دیگر نمی‌توانستند بدون توجه به کارگران و مطالبات آن‌ها برنامه‌ریزی نمایند. از این‌رو ما شاهد آنیم که در این دوره‌ی تاریخی احزاب مختلف در برنامه‌های خویش در ارتباط با مطالبات کارگران نیز بندهایی را گنجانده‌اند، از جمله:

«جمیعت فداکاران ملت» قول می‌داد که برای رشد صنایع و تجارت تلاش خود را به خرج خواهد داد. «فرقه احرار عثمانی» برای حل معضلات جنبش داخلی در ماده سه برنامه خود نوشت: «در مواقعی که اعتصاب و یا حوادثی نظیر آن در جامعه اتفاق می‌افتد، دولت بایستی موارد مورد احتیاج مردم را تأمین کند و به شرط حفظ منافع عمومی، در اصلاح وضع کارگران بکوشد.»

هم‌چنین اضافه می‌کند: «وظایف کارگران، استاد کارها و صاحبان سرمایه در قبال یکدیگر روشن شود...»^{۲۴}

جناح دوران‌دیش فرقه اتحاد و ترقی با توجه به ماهیت افشا شده این فرقه در نزد کارگران و دیگر اقشار زحمتکش جامعه، به همراه «رضا بیگ» برای ایجاد حزب دموکرات عثمانی تلاش کردند. با این تلاش آن‌ها می‌خواستند خود را از این حزب و اعمالش دور نمایند. حزب دموکرات عثمانی خواهان برداشته شدن فشار از روی تمام افراد جامعه بدون توجه به جنس و مذهب بوده و هم‌چنین خواهان محافظت از حقوق رنجبر، کارگر، دهقان و تمام انسان‌هایی که کار می‌کنند بود. این حزب در ماده ۱۲ از برنامه خود اعلام می‌دارد که: «کارگران و عمله‌ها از جانب سرمایه‌داران تحت ستم و استثمار قرار گرفته‌اند.»

هر چند که برنامه و خواست‌های این حزب اساساً روی کاغذ مانده و به مرحله اجرا درنیامد، اما بی‌تردید در آن دوره‌ی تاریخی نشان‌دهنده‌ی انعکاس فشار اجتماعی طبقه کارگر تازه سازمان یافته ترکیه در برنامه این حزب است. و بالاخره باید اشاره کرد که بی‌لیاقتی‌ها و بی‌کفایتی حزب اتحاد و ترقی باعث شد تا حوادث ۳۱ ماه مارس سال ۱۹۰۹ منجر به اعلام حکومت نظامی شود.^{۲۵}

۴- نقش طبقه کارگر در جابجایی حاکمیت در دوره اخیر:

یکی از نویسندگان ترکیه به نام لطفی ارایشچی می‌نویسد: «در سرنگونی کاخ استبداد نمی‌توان عامل طبقه کارگر را به‌عنوان یک عامل مؤثر در آن حذف کرد.»^{۲۶} به‌طور خلاصه می‌توان گفت که در واقع انقلاب مشروطه در ترکیه را اعتصابات کارگری به پایان خود رساند.

هم‌چنین نگاه کوتاه به تاریخچه مبارزات کارگران در ترکیه نشان می‌دهد که آنان چگونه در مقابل سرمایه‌داران ایستادگی کردند و نوک تیز حمله اعتصابات مقابله با سرمایه‌داری به‌طور کلی و با سرمایه خارجی به‌طور خاص بوده. البته باید توضیح داده شود که در آن دوران سرمایه اروپا در جابه‌جا کردن قوانین

سندیکایی و مطالبات کارگران دست بازتری را داشته و همان‌طور که در بالا نیز اشاره شد مثلاً زمانی که اعتصابات کارگری به منافع سرمایه‌گذاری‌های آلمان در ترکیه ضربه وارد کرد، تحت فشار دولت آلمان حزب اتحاد و ترقی قرارنامه‌هایی را برای محدود کردن فعالیت سندیکاها به تصویب مجلس رسانده و به اجرا گذارد.

«ایجاد حزب سوسیالیست عثمانی و ارگان‌هایش، به دنبال آن حکم بر تعطیلی آن، دیوان عالی جنگ، ایجاد جمعیت اتحاد عمده از جانب کارگران توتون رژی (سال ۱۹۱۱)، تلاش در جهت ایجاد یک فدراسیون کارگری، ایجاد سندیکا از جانب کارگران توتون دراما و کاوالا، نامه اطلاعاتی شهردار سلانیک در رابطه با گرایش کارگران به سوی سوسیالیسم و هم‌چنین عدم اجازه در جهت ایجاد سندیکاهای جدید، صدور اطلاعیه‌هایی در رابطه با لغو سندیکاهای فعال موجود (در سال ۱۹۱۱) ایجاد مجدد فرقه سوسیالیست عثمانی (سال ۱۹۱۲) و بالاخره به علت یورش به کاخ امپراطوری اسلام حکومت نظامی مجدد در سال ۱۹۱۴ ما را به جنگ جهانی اول می‌رساند.»^{۲۸}

همه‌ی این‌ها نشانگر تلاش پایان‌ناپذیر طبقه کارگر از یک طرف و جایگاه آن در حرکت‌های اجتماعی از طرف دیگر است.

با آغاز جنگ جهانی اول یک تحول بسیار قابل ملاحظه در ترکیه اتفاق می‌افتد. بسیاری از جریانات و نمایندگان سنتی و مذهبی که تا آن تاریخ زنان را از کارهای اجتماعی منع می‌کردند، در این دوره با اعزام کارگران مرد به جبهه‌های جنگ بر سر دو راهی رفع نیاز سرمایه‌داران به وسیله‌ی به‌کارگیری کارگران زن از یک سو و تبلیغات سابق‌شان دایر بر خانه‌نشینی زنان از سوی دیگر قرار گرفته و بالاخره این بار به نفع اولی از در توجیه وضعیت موجود واداشته شدند.

۵ - جنگ جهانی اول و زنان کارگر:

در سال‌های ۱۹۱۵ با فرستاده شدن مردان به جبهه‌های جنگ وضعیت

معاش خانواده‌های کارگری بسیار به وخامت گرایید. هم‌چنین با خالی شدن جای کارگران مرد، کارفرمایان نیز احتیاج به پرکردن جای خالی این کارگران را داشتند. بالاجبار زنان علی‌رغم تمام تبلیغات قبلی از سوی سنتی‌ها به‌طور وسیعی به بازار کار روی آوردند تا جایی که از جانب نیروهای مذهبی «جمعیت اسلامی کارکنان زنان» ایجاد شد.

تلاش این جمعیت در راستای حفظ قوانین اسلامی و همگون کردن قوانین اسلامی با شرایط جدید بود. بیشترین تبلیغات این جمعیت در جهت محافظت وجود و سیمای زنان در حین کار و دور نگه داشتن آنان از مردان بود. این بار «گروه‌های سنتی» در راه خدمت به بورژوازی با توجیه «دفاع مردان از وطن در جبهه‌های جنگ» برای پرکردن جای خالی‌شان توسط زنان تلاش نمودند. تنها اشکال کار این بود که زنان می‌بایستی دقت می‌کردند که قوانین اسلام را فراموش نمایند و گرنه نباید در خدمت به سرمایه‌داری قصوری از جانب آن‌ها رخ می‌داد. در این میان از حقوق برابر برای زنان و مردان نیز حرفی زده نمی‌شد، چنان‌چه از جانب «جمعیت اسلامی زنان» هم هیچ‌وقت در این مورد بحثی به‌میان نیامد. بعداً خواهیم دید که در رابطه با مزد برابر به زنان و مردان، «ترک ایش» نیز چندان تلاشی از خود نشان نمی‌دهد.

اما آن‌چه که بعد از این در ترکیه شاهد آنیم شرکت وسیع زنان در کارهای اجتماعی و تأثیر آن بر اندیشه و عمل زنان ترکیه است.

۶- پایان جنگ جهانی اول و وضعیت طبقه کارگر در ترکیه:

در ابتدای این بخش لازم می‌دانم قبل از پرداختن به هر بحث دیگری، احزاب و یا سازمان‌هایی را که در این دوره تاریخی از جانب کارگران و یا به‌نام آنان ایجاد شدند، معرفی کنم. شاید این احزاب نتوانسته باشند در بالا بردن آگاهی طبقاتی کارگران نقش مؤثری ایفا کنند، و یا اصلاً بعضی‌هایشان با توجه به

محدودیت‌های موجود و یا شیوه ایجادشان حتا نتوانسته باشند تأثیرات قابل توجهی داشته باشند، اما آنچه که روشن است در صفوف برخی از این احزاب، بخش‌هایی از طبقه کارگر به طور متشکل مبارزه می‌کردند. نکته آخر این که وجود این احزاب جدی بودن تحرک و مبارزات کارگری را در ترکیه آن زمان نشان می‌دهد.

الف - فرقه (حزب) سوسیالیست ترکیه: اکثر کارگران باربر را شامل می‌شد. **ب - فرقه (حزب) مستقل ترکیه:** افرادی که در اعتصابات فرقه سوسیالیست ترکیه شرکت کرده و با شکست این اعتصابات نسبت به رهبران خود عصبانی شده بودند، از این حزب جدا شده و به فرقه مستقل سوسیالیست پیوسته بودند. بعد از مدت کوتاهی این فرقه به «اتحاد عمومی کارگران» تغییر نام داد.

پ - حزب سوسیالیست کارگران ترکیه: ابتدا به عنوان یک تشکل کارگری ایجاد شد (در سال ۱۹۲۱) و سپس در کنگره‌اش نام آن به «فرقه کارگران ترکیه» تغییر پیدا کرد.

ت - حزب سوسیالیست کارگران و دهقانان: با توجه به ماهیت سیاسی این حزب طبق نوشته‌های سولکلر، فعال و نویسنده معروف جنبش کارگری ترکیه، این حزب در نزد چپ ترکیه جایگاه ویژه‌ای را اشغال می‌کند. می‌توان به این لیست تعداد زیادی سازمان و انجمن‌های مختلف را هم افزود. به هر حال تمام این‌ها نمایانگر جایگاه طبقه کارگر و تأثیر اجتماعی آن در مسایل آن دوره تاریخی ترکیه است. هر چند این احزاب در بالا بردن آگاهی و توقعات کارگران نتوانستند جایگاه واقعی خود را بیابند، اما به هر حال در ابعاد محدودی، توانستند تأثیراتی داشته باشند. برای نمونه در ۲۴ اکتبر سال ۱۹۱۹ در روز جمعه توانستند با شرکت ۲۰۰۰ نفر یک اجتماع نسبتاً وسیعی با شرکت کارگران، زحمتکشان و دیگر اقشار پایین جامعه در تئاتر «فراخ شهزاده‌باشی» استانبول برگزار نمایند. این تجمع به دعوت مشترک احزاب و سازمان‌های

کارگری انجام گرفت. اهمیت و جایگاه ویژه این اجتماع، به خاطر تلاش برای ایجاد آلترناتیو کارگران در قبال انتخابات آتی و همچنین تثبیت خواسته‌های کارگران برای این انتخابات بود.

باید توجه داشت که در این مجمع شرکت کارگران نظامی ترکیه که در آلمان مشغول کارگری بودند بسیار با اهمیت بود و آن‌ها با توجه به این که از آلمان برگشته بودند با شرح وضعیت انقلابات در آلمان تمام توجه حضار را به خود جلب کردند. در این اجتماع یکی از کارگران کارخانه توپخانه به نام سلیمان در سخنرانی خود چنین گفت:

«هیئت‌هایی که ما امروز انتخاب می‌کنیم، در راه ایجاد یک حزب متحد کارگری کوشش خواهند نمود. چگونگی پیشبرد کارمان را باید تعیین کنیم. دوستان! از هشت، ده سال به این طرف یک کلمه هم در مورد حقوق کارگران حرف نزدند، شاید حتی لزومی برای حرف زدن در مورد این مسئله را هم حس نکردند. آن‌ها می‌دانند که اگر به نفع کارگران کار کنند ضرر خواهند کرد. زیرا که ما کارگران آن‌ها را به آن‌جا نفرستادیم.»^{۲۹}

سپس در اجتماع یاد شده یک تصمیم چهار ماده‌ای به اتفاق آرا تصویب می‌شود که به طور خلاصه به قرار زیر است:

الف - محکومیت سرمایه و صاحب منصبان به خاطر اندیشیدن صرف به منافع خود و درخواست از کارگران برای دفاع از حقوق خویشان در برابر سرمایه. هم‌چنین در این ماده خواهان انتخاباتی می‌شوند که حقوق اقلیت‌ها نیز در آن محفوظ باشد.

ب - خواهان گذاردن صندوق‌های انتخابات در محل‌های کار (کارخانجات و کارگاه‌ها) می‌شوند. این درخواست را با توجه به مصوبات و آئین‌نامه‌های انتخابات مطرح می‌سازند.

پ - کنگره از میان کارگران از جمله از هر کارخانه و یا جمعیت کارگری یک

نماینده و دیگر کسانی که در راستای منافع کارگران تلاش می‌کردند (از جمله روشنفکران وابسته به احزاب کارگری و...) تعدادی را به عنوان نمایندگان خود انتخاب می‌کند و تصمیم می‌گیرد که این افراد در پروسه انتخابات از حقوق کارگران دفاع نمایند. هم‌چنین در این ماده کنگره تصمیم می‌گیرد که حداقل باید سه نماینده مجلس از استانبول از نمایندگان کارگران انتخاب شود. در خاتمه نیز نمایندگان کارگران اعلام می‌دارند که به نام کارگران قول می‌دهند که به نمایندگان منتخب کارگران رأی خواهند داد.

ت - در این ماده اعلام می‌دارند که در صورتی که احزاب بورژوازی حقوق کارگران را زیر پا بگذارند، گروه‌های کارگری از هر شیوه‌ای برای به دست آوردن حقوق پایمال شده‌شان استفاده نموده و دست به عمل خواهند زد.

در انتهای قطعنامه نیز مجمع خواهان به رسمیت شناخته شدن این روز به عنوان روز اتحاد کارگران گردید و خواهان تجمع همه ساله کارگران در همین روز می‌شوند. مجموعه این خواسته‌ها هر چند امروز می‌تواند به نظر کم اهمیت و یا محدود بیاید، ولی در دوره تاریخی که ما از آن بحث می‌کنیم نشانگر یک تلاش آگاهانه اما هر چند ناکافی در میان طبقه کارگر ترکیه است.

سال ۱۹۲۳ و طبقه کارگر ترکیه:

بدون شک باید دوره ۱۹۲۳ را در تاریخ جنبش کارگری ترکیه جزو پرتلاطم‌ترین و پر جنب و جوش‌ترین دوره‌ها به حساب آورد. همین امروز در جنبش کارگری ترکیه هنوز بحث‌های زیادی در رابطه با آن دوران جاریست.

در دوره پس از پایان جنگ جهانی اول در ترکیه از مجموعه تشکلهای به وجود آمده، پرداختن به سه شکل کارگری ضروری است:

الف - انجمن کارگران ترکیه:

اساساً کارگران تولیدات جنگی که در آلمان درس خوانده و برگشته بودند اقدام به ایجاد این انجمن نمودند. این تشکیلات از ماه دهم سال ۱۹۱۹ تا همان

ماه در سال ۱۹۲۲ توانست موجودیت خود را حفظ کند. کمال سولکلر در بررسی‌های خود می‌گوید که این تشکیلات به اعتصابات کارگری بیش از اندازه امیدوار بود.^{۳۰}

«مته تونچای در نوشته‌های خود در رابطه با این تشکیلات می‌گوید که در اوایل سال ۱۹۲۳ [به‌نظرم ۱۹۲۲ باید باشد - نویسنده] در شهر استانبول فعالیت دیگری نیز برای وحدت بخشیدن به اتحاد کارگران وجود داشت. انجمن کارگران ترکیه که تحت اتوریته کمونیست‌ها بود در ماه جولای ۱۹۲۲ دست به چنین کاری زد [منظور وحدت بخشیدن به اتحاد کارگران] منتها موفق نشده بود.^{۳۱}

ب - اتحاد بین‌المللی کارگران:

این تشکیلات اکثراً از جانب کارگران یونانی و ارمنی سازمان‌دهی شده بود و سازمان‌دهندگانش بیشتر کارگران ساختمانی، دریایی و نجاری بودند. بیست و یکم جولای سال ۱۹۲۲ شکل‌های کارگری را برای اتخاذ یک تصمیم مشترک دعوت نمود که متأسفانه با توجه به شرایط اجتماعی و سیاسی موجود در آن دوره و انشعابات زیادی که در صفوف کارگران به وجود آمده بود، عملی نگردید. در سال ۱۹۲۳ از جانب پلیس ترکیه تلاش جدی‌ای برای سرکوب جنبش کارگری و جلوگیری از سازمان‌یابی آن به عمل آمد. حوادث اول ماه مه ۱۹۲۳ خود نمایانگر تمام نمای ماهیت برخورد پلیس ترکیه به کارگران بود.

علی‌رغم برگزاری مرتب اول ماه مه در چند ساله قبل در آن کشور، در اول ماه مه ۱۹۲۳ درست زمانی که کارگران برای برگزاری مراسم اول ماه مه آماده می‌شدند و اطلاعیه و خواسته‌های خود را در راستای مطالبات کارگران آماده کرده بودند، تعداد زیادی از کارگران از جانب پلیس به اتهام چاپ اعلامیه و غیره، ولی در واقع برای جلوگیری از ایجاد سندیکاها و انجمن‌های کارگری دستگیر شدند. زیرا تلاش‌های فراوانی در این جهت می‌توانست در چنین روزی - که

همبستگی بین‌المللی کارگران بود - به‌ثمر بنشیند. کارگران عضو سندیکا و احزاب به دادگاه‌ها تحویل داده شدند. این کارگران پس از ۱۵ روز بازداشت آزاد گردیدند. اما تمام این فشارها نتیجه نداده و کارگران برق، تونل و تراموا همراه با کارگران کارخانه برق سلاحدارانما یک تشکیلات مستقل به‌وجود آوردند. به‌دنبال آن تشکل‌های زیادی ایجاد و یا تلاش برای ایجاد آن‌ها آغاز شد.^{۳۲}

هم‌چنین یک مرور مختصر نشان می‌دهد که در ماه‌های آگوست و سپتامبر سال ۱۹۲۲ در سراسر ترکیه اعتصاب در جریان بوده. اسناد نشان می‌دهد که در قارادینز، استانبول و ازمیر یعنی مراکز سه منطقه استراتژیک ترکیه اعتصابات همدیگر را پی‌گیری می‌کردند. بالاخره رژیم که از اعتصاب و امکان آگاهی طبقه کارگر به‌وحشت افتاده بود با ساختن رهبران قلبی کارگری و عرضه آن‌ها به بازار و هم‌چنین به‌راه انداختن جو رعب و وحشت و دستگیری رهبران واقعی کارگران و دست‌آخر با محدود کردن حقوق سندیکاهای و انجمن‌های کارگری در نهایت همان طور که در پایین نیز خواهیم دید از میان بردن تشکل‌های کارگری را پیشه کرد.

ج - اتحاد عمده:^{۳۳}

همان طور که در ابتدای این بخش اشاره کردم، این سال‌ها از زاویه مبارزات طبقه کارگر در ترکیه بسیار پرتلاطم بود. «اتحاد عمده» در زندگی کارگران آن دوره تأثیر خود را برجای گذاشته و جایگاه خود را به‌عنوان یک (و یا یکی) از تشکل‌های پرجدال حفظ نموده بود. این تشکل در عمر کوتاه خود توانسته بود تعداد زیادی از کارگران را حول خود بسیج کند و شروع کارش نیز با سازمان دادن کارگران استانبول بود. بنابراین لازم است به این تشکل قدری بیشتر پردازیم.

بیستم دسامبر سال ۱۹۲۲ اتحاد عموم عمده استانبول تشکیل شد. این تشکیلات اولین «انجمن»، یعنی سندیکای خود را در تاریخ اول ژوئن ۱۹۲۳ در میان کارگران تراموای آکسارای^{۳۴} افتتاح کرد و به‌دنبال آن انجمن کارگران تراموای

«شیشلی» در استانبول را سازمان داد. در عرض ده ماه تعداد سندیکاهای «اتحاد عموم عمه استانبول» به ۲۶ عدد رسیده بود. به نام «اتحاد عموم عمه» به قاضی یک تلگراف زده شد و جواب تشویق آمیز وی باعث شغف و خوشحالی گردیده بود.^{۳۵}

با توجه به استاد و مدارک به نظر می آید که در ابتدای سازمان یافتن «اتحاد عموم عمه استانبول» گروه‌های مختلف برای سازمان دادن فدراسیون «اتحاد عمه» به طور مشترک دست به اقداماتی می‌زنند. هر چند که این اقدامات مشترک بعدها با مشکوک خوانده شدن «اتحاد عموم عمه» از هم می‌پاشد. مته تونچای با ارائه‌ی اسنادی نشان می‌دهد که در آماده کردن پلاتفرم فدراسیون، کمیسیون مشترکی از گروه‌ها و گرایش‌های مختلف به شکل زیر تشکیل می‌گردد.

از جمعیت مرتبین عثمانی^{۳۶} خیرالله خیری، از روشنفکران دکتر شفیک هوسنو^{۳۷}، از اتحاد بین‌المللی کارگران، وانلی کاظم و از اتحاد عموم عمه استانبول، شاکر راسیم^{۳۸} انتخاب می‌شوند.^{۳۹} در ابتدای تشکیل این جمعیت بر سر ماهیت آن ناروشتی‌های بسیاری وجود داشته و یا حداقل این‌طور دیده می‌شد، اما مدت کوتاهی پس از آغاز فعالیت‌هایش، هم «اتحاد عمه» و هم مخالفین این تشکل رک و پوست‌کنده خود را می‌زنند.

ج / ۱ - مختصری در مورد هویت اتحاد عمه:

«اتحاد عمه» از جانب فعالین جنبش کارگری و هم‌چنین روشنفکران چپ تا آن‌جایی که امکان داشته مورد ارزیابی و سیاست‌های آن به‌طور مداوم مورد نقد قرار گرفته است از جمله:

سلیم نجاتی یکی از نویسندگان «آیدنلیق»^{۴۰} در مقاله‌ای مربوط به «اتحاد عموم عمه استانبول» رهبران این تشکیلات را منتسب به سرمایه‌داران دانسته و اعلام می‌کند که این رهبران جاسوسان سرمایه هستند و در انتها نیز چنین اعمالی

را غیراخلاقی، مضر به حال طبقه کارگر می‌نامد. او رهبران این جمعیت را متهم می‌کند که در میان‌شان عده‌ای که در بین‌الملل دوم شرکت کرده بودند، وجود دارند و در کنگره‌های مختلف به همین نام نیز شرکت جسته‌اند.^{۲۱}

رهبران «اتحاد عموم عماله استانبول» از آن‌جا که هنوز ماهیت رژیم تازه به قدرت رسیده آتاتورک - که بعد از جنگ جهانی اول بر سر کار آمده بود - روشن نشده بود، به ظاهر از موضع ضد سرمایه‌داری که گویا باید با کمک دولت تازه به قدرت رسیده عملی می‌شد، خواهان دفاع از حقوق کارگران بودند. توجه کنید: تصمیم به ایجاد «اتحاد عموم عماله ترکیه» سه روز قبل از اعلام جمهوریت در ترکیه گرفته شد. اولین کار هیئت رهبری منتخب کنگره، مراجعه به ریاست مجلس شورای ملی ترکیه^{۲۲} همراه با قرارنامه‌ایست که در بند دوم آن خواست حمایت دولت در مبارزه با سیستم سرمایه‌داری جلب توجه می‌کند.

روزنامه «وظیفه» نیز در یکی از شماره‌های خود می‌نویسد: «تا یک هفته دیگر هیئت برای اطلاع دادن به ریاست جمهوری و ابلاغ احترامات به پیشگاه پاشا به سمت آنکارا حرکت خواهد کرد»^{۲۳}

طبق نوشته‌های مته تونچای روزنامه «وظیفه» - که در آن زمان منعکس کننده نظرات کمونیست‌ها بود - در مورد خبر کنگره‌ی فوق‌العاده «اتحاد عماله» که در تاریخ ۲۴ آوریل ۱۹۲۳ برگزار می‌شود ارزیابی زیر را از ماهیت این تشکیلات ارائه می‌دهد:

در نهایت «اتحاد عماله» که همواره ادعا دارد یک تشکیلات سیاسی نیست عاقبت ماهیت خود را آشکار کرده، تبدیل به یکی از شعبات فرقه‌ی داراها شده است. در ادامه همین مقاله علاوه بر گزارش‌هایی پیرامون کنگره فوق‌العاده «اتحاد عماله»، روزنامه با چاپ نامه‌هایی از کارگران در مورد اعمال ضدکارگری رهبری این تشکل، اقدام به افشای ماهیت آن می‌نمایند.

به نظر می‌آید که رهبران «اتحاد عماله» خیلی سریع‌تر هویت خود را به

نمایش گذاشته‌اند، حتا سریع‌تر از آن که انتظارش می‌رفت. چرا که با توجه به سرکوب سازمان‌های مستقل کارگری و غیره در ابتدای تشکیل «اتحاد عمله» گرایش‌های متفاوت برای ایجاد یک فدراسیون سراسری حاضر به همکاری با این ارگان بودند ولی رهبران «اتحاد عمله» هر روز بیشتر به راست می‌چرخند. روزنامه ایلهری در یکی از مقالات خود تحت عنوان: «باز هم اعتصاب تراموای؟» می‌نویسد: «گویا امسال، سال اعتصابات کارگری خواهد بود.» این مقاله که در هفته اول ماه دسامبر ۱۹۲۳ نوشته شده و مقصودش اشاره به سال ۱۹۲۴ است، ادامه می‌دهد: «تازگی‌ها اعتصاب شموندفنر (راه آهن) حل و فصل شده، حال هم گفته می‌شود که عمه‌های تراموای در راه اعتصابند.»

روز بعد روزنامه ایلهری گزارشی از شرکت‌هایی که کارگران آن ناراضی هستند تهیه و از زیان رهبران «اتحاد عمله» راه‌حل را نیز اضافه می‌کند. روزنامه از قول معاون رئیس (دبیر) «اتحاد عمله» رفیق - اسماعیل می‌نویسد که وی طبق قرار لوزان خواهان اخراج کارگران غیرمسلمان از شرکت‌ها شده است و همچنین بیاناتی را نیز که در رابطه با خواسته‌های کارگران تراموای، گازخانمه، ترکوس و شرکت جنگ است، نقل می‌نماید.

بدین ترتیب معلوم می‌شود که «اتحاد عمله» از مجموعه اعتصابات و اعتراضات ناراضی بوده است و برای معامله با دولت چگونگی ایجاد تضاد در میان کارگران و در واقع راه برون رفت از اعتصابات و اعتراضات را در تسویه کارگران «غیرخودی» می‌بیند.

با تمام این اوصاف رژیم ترکیه حاضر به تحمل «اتحاد عمله» نیز نمی‌شود و همان‌طور که در روزنامه‌ی «ایلهری» نوشته شد، «اتحاد عمله» از طرف دولت ترکیه «به‌دلیل مفایرت اتحاد عمله با قوانین جمهوریت، به‌طور قطعی منحل شد.»^{۲۴} اما علی‌رغم انحلال «اتحاد عمله» در تاریخ ۲۰ دسامبر ۱۹۲۳ از جانب دولت رهبران این حرکت با تغییر نام آن در حفظ این تشکل کوشش می‌نمایند که

در نهایت در سال ۱۹۲۴ به طور کلی منحل اعلام می شود. رهبران «اتحاد عمله» ادعا می کنند، با توجه به این که در ترکیه انجمن ها می توانند به حیات خود ادامه دهند لذا نام «اتحاد عموم عمله» ترکیه را به «انجمن های عموم عمله ترکیه» تغییر داده و طبق خبر روزنامه‌ی «ایله ری» در برابر لغو آن ایستادگی می نمایند. هر چند که شاکر راسیم رئیس «اتحاد عمله» که در آن زمان برای سازمان دادن کارگران معادن زونقولداق در آن جا به سر می برد در اطلاعیه‌ای که به مناسبت آغاز سال ۱۹۲۴ پخش می نماید لغو «اتحاد عموم عمله ترکیه» را دروغ خوانده و اعلام می دارد که تا صدور قانون کار جدید «اتحاد عموم عمله ترکیه» موجودیت خود را حفظ خواهد کرد. بنا به گفته مته تونچای این قانون ۱۲ سال بعد در سال ۱۹۳۶ به تصویب رسید.

رژیم ترکیه ابتدا نه به طور مستقیم، بلکه از کانال شهربانی ها و پلیس و دیگر ارگان های سرکوب در انحلال آن تلاش می کند. در راستای حفظ این تشکل نیز عده ای تلاش های زیادی را به خرج دادند. اما برای بورژوازی ترکیه به اندازه‌ای که خود را تثبیت می نمود تحمل هرگونه تشکل کارگری می توانست به بهایی گران تر از الغای آن تمام شود. قبل از این که به پایان سرنوشت «اتحاد عمله» بپردازیم، بهتر است نگاهی نیز به وضعیت مبارزاتی طبقه کارگر در آن دوره از تاریخ بیاندازیم.

ج / ۲ - نگاهی به اوضاع مبارزاتی طبقه کارگر:

در اواسط ماه ژوئن ۱۹۲۴ کارگران تراموای استانبول به مدت یک ساعت علی رغم توافق «اتحاد عمله» دست به اعتصاب زدند و به علت عدم موافقت «اتحاد عمله» طبق نوشته ایله ری مجبور می شوند به اعتصاب خود پایان دهند. اما یک روز بعد در جلسه‌ای که به خاطر عدم توافق بر سر دریافتی های کارگران با صاحب کاران گرفته شده بود، مجمع «اتحاد عمله» اعتصاب کارگران را محق ارزیابی می نماید. در شانزدهم همان ماه روزنامه «ایله ری» در مقاله‌ای به همین

خاطر می نویسد:

به نام کارگران تراموای رهبران «اتحاد عمله» با شرکت به توافق رسیده اند، اما کارگران که شرایط توافق را نپسندیدند، بر علیه این توافق بپا خاسته و آن را به رسمیت نشناخته اند.

در هفدهم ژانویه از جانب کارگران دو نماینده جدید برای پیشبرد مذاکرات با شرکت تراموای انتخاب می شوند. در واقع بدین وسیله توافق «اتحاد عمله» با کارفرمایان از جانب کارگران پذیرفته نمی شود. در نهایت کارگران، با زیر سؤال بردن مرکزیت این ارگان از کانال انجمن های وابسته آن را تحت فشار قرار می دهند تا وضعیت «اتحاد عمله» روشن شود. از طرف دیگر کارگران خواهان ارزیابی از کارهایی که «اتحاد عمله» تا به حال انجام داده، می شوند و هم چنین خواستار روشن شدن وضعیت راسیم - از رهبران «اتحاد عمله» که در زونقولداق به سر می برد - می شوند. بدین گونه، تشکیلات را طبق نوشته ایله ری در تاریخ ۱۸ ژوئن ۱۹۲۴ و ادار به فراخوان کنگره می نمایند. کنگره در تاریخ ۲۰ ژوئن ۱۹۲۴ برگزار می شود که در آن یکی از کارگران تراموای به نام مرخص حقی با طرح سوال زیر به سخنرانی می پردازد: «تا تأیید قانون کار وضع ما چه خواهد شد؟ رهبران «اتحاد عموم عمله» ترکیه به جای مشغول کردن خود با کلاخ ها و پرده ها بهتر نیست قدری هم به وضعیت ما فکر کنند؟»^{۲۵}

نماینده حمال ها آقای خیری می گوید: «از چند ماه به این طرف حمال های گمرک بیکار شده اند شهرداری می گوید اعتراض حقتونه، پلیس با ما مقابله می کند. با ۶۰۰ نفر به جلو درهای گمرک خواهیم ریخت و...»^{۲۶} هر چند آقای خیری بعداً به دشت کریلا می زنند ولی واقعیت این بوده که رهبری «اتحاد عمله» بیش از آن چه که به فکر اعضایش باشد، به فکر حفظ موقعیت خود بود.

پس از برگزاری کنگره فوق العاده، رهبران «اتحاد عمله» به حضور مصطفی کمال رفته و وضعیت را با تأیید جمهوریت نوپا به عرض ایشان می رسانند و از

وی خواهان تصویب قانون کار می‌شوند.

مصطفی کمال در تاریخ ۷ فوریه ۱۹۲۴ در جوابیه کوتاهی می‌گوید:
«اساسی‌ترین بخش قانون کار به مجلس تقدیم شده است و قانون توسط
کمیسیون اقتصاد به سرعت آماده می‌شود»^{۲۷} و واقعاً هم به سرعت آتاتورکی ۱۲
سال بعد این قانون از مجلس گذشت و در سال ۱۹۳۶ به تصویب رسید.

ج / ۳ - آخرین تلاش‌های «اتحاد عمله»:

در کنگره ۶ فوریه (کنگره عادی) پس از مذاکرات پرهیجان، شاکر راسیم به
کرسی رفته سپس به برشمردن این که در اعتصاب «بومونتی» چه موفقیت‌هایی
کسب کرده‌اند و یا در اعتصاب «شمندوفر شرق» توانسته‌اند منافع ملی را
محافظت نمایند، می‌گوید که با اعتصابیون در رابطه با «مضرات» اعتصاب از در
نصیحت وارد شده و سپس با توجه با نفوذ اندیشه‌ی تعداد زیادی جریانات
کمونیستی مطرود در حوزه ۱۸۰۰۰ کارگر معدن ذغال سنگ تصمیم به ایجاد
تشکیلات «اتحاد عمله» در آنجا گرفتیم. زمانی که ما در زونقولداق بودیم در
مورد لغو «اتحاد عمله» دستور آمده این چطور می‌شود؟^{۲۸}

بدین ترتیب معلوم می‌شود که رهبری «اتحاد عمله» به جای پرداختن به
خواست‌ها و مسایل کارگران، خود را مشغول مبارزه با گرایش‌های رادیکال
درون طبقه کارگر می‌نماید. هم‌چنین بنا به اظهارات خود رهبران «اتحاد عمله»
جنبش کارگری و اعتصابات و مبارزات آن فدای مصالح ملی می‌شود و منافع
ملی جای منافع طبقاتی کارگران را می‌گیرد.

اول ماه مه ۱۹۲۴ آخرین اول ماه مه‌ای بود که که از جانب «اتحاد عمله»
جشن گرفته شد. در این روز «اتحاد عمله» کارگران را دعوت نمود که با گل سرخ
به تظاهرات بپردازند. هلی رضم مخالفت پلیس (به‌خصوص در استانبول) کارگران
توانستند این روز را جشن بگیرند. ابتدا پلیس با نواخته شدن سرود انترناسیونال
به دلایل مختلف و بهانه‌های گوناگون مخالفت کرد ولی بالاخره برای آخرین بار

در تاریخ این تشکل سرود انترناسیونال یک بار دیگر به صدا درآمد. زمانی که سرود انترناسیونال نواخته می‌شد کارگران با شور و شوق روز کارگر را به هم تبریک گفته و شادی می‌کردند.

یکی از مهم‌ترین خواست‌های این تظاهرات که در پلاکاردها هم مشخص شده بود، خواست تصویب قانون سندیکاها بود.

پس از اول ماه مه در تاریخ ۲۰ ماه مه «اتحاد عمله» خود را منحل اعلام کرد و بدین‌گونه زندگی یکی از تشکل‌های کارگری ترکیه که در زمان خود توجه خیلی‌ها را به سوی خود جلب کرده بود به پایان رسید. شاکر راسیم یک فرد فرصت‌طلب و ضدکمونیست بود. راستی چرا علی‌رغم این‌که «راسیم» سفت و سخت به قاضی پاشا (آتاتورک) وابسته بود و در رأس این تشکل قرار گرفته بود، باید این تشکیلات لغو می‌شد؟ در واقع این تشکیلات می‌توانست با سازمان دادن کارگران استانبول، آنکارا و دیگر شهرها به‌عنوان یک تشکل وابسته نگه داشته شود. اصلی‌ترین دلیلی که از سوی رژیم مطرح می‌شد عدم تصویب قانون جمعیت‌ها و غیره بود. اما واقعیت این است که با به‌رسمیت شناختن تشکل‌های کارگری امکان رشد طبقه کارگر و سازمان‌یابی رادیکال آن به‌وجود می‌آید. بنابراین عدم تصویب قانون جمعیت‌ها بهانه‌ای بیش نبود، کما این‌که در همین دوره شاهدیم که جمعیت‌هایی نظیر «هیئت متحده اصناف» و غیره در روز روشن سازمان یافته و سرپا بودند، ولی این تشکیلات «اتحاد عمله» است که لغو می‌شود! به‌نظر می‌رسد رژیم بیشتر خواهان سلب امکان ایجاد و رشد تشکل‌هایی که از جانب کارگران و یا به‌نام کارگران عمل می‌کنند، بود.

بدین‌گونه تاریخ یک دوره از مبارزات کارگران در ترکیه به‌خاطر سازمان‌یابی و مقابله با بی‌حقوقی‌ها و ستم طبقاتی پایان یافته و دور دیگری از مبارزات در دوره حکومت مطلقه آتاتورک آغاز می‌شود. □

پانویس‌ها:

- ۱- درس‌خانه‌ها به کارگاه‌های کشتی‌سازی گفته می‌شود که سه نوع مختلف کارگر در آن‌ها کار می‌کنند. اوستاکارها، کارگران و پادوها (کارگران آموزشی) که اساس کار را این آخری‌ها انجام می‌دهند، اما بی حقوق‌ترین‌شان نیز می‌باشند.
- ۲- Kemal Sulker, Sendika Agalari, ص ۱۵.
- ۳- Sendikacilar ve siyaset, (سندیکالیست‌ها و سیاست)، ص ۸ و ۹.
- ۴- Osmanli Amele Cemiyeti.
- ۵- جنبش‌های کارگری و سوسیالیستی در ترکیه از دمبتر ششمانوف.
- ۶- Hareke Fabrikasi.
- ۷- Selmet Umumiye Klubu.
- ۸- برای کسب اطلاعات بیشتر به کتاب کارگران و سیاست از کمال سولکلر و دیگر اسناد مکتوب این دوره مراجعه شود.
- ۹- در رابطه با زون ترک‌ها که بخشی از برنامه آن‌ها پس از کنگره دوم در کتاب *Turkiyede Siyasi Partiler (احزاب سیاسی در ترکیه)* از T.Z. Tunay آورده شده می‌نویسد: «به محققین آزاد، دانشمندان و علمایی که از تحقیقات‌تان جلوگیری می‌شود، دهقانان و روستاییانی که از جانب مأمورین دولت بغما می‌شوید، شکنجه می‌شوید، زیر مالیات‌های نابه‌حق له می‌شوید، ای کسانی که تکه نان خشک و قطعه زمینی ندارید، تاجران که به علت عدم اعتماد و عدم وجود آزادی نمی‌توانید به کار و بارتان ادامه بدهید، سربازان گرسنه و لغت که به امر پاشا مجبورید بر علیه هموطنان خود اقدام کنید و بالاخره ملت‌هایی که زیر فشار سنم پادشاه له می‌شوید...» در آخر همه‌شان را دعوت به اتحاد علیه حکومت عبدالحمید می‌کنند.
- لازم به توضیح است که خیلی از افراد کم اطلاع از جنبش‌های اجتماعی در ترکیه زون ترک‌ها یا ترک‌های جوان را با پان‌ترک‌ها اشتباه می‌کنند و طبیعتاً ارزیابی‌های نادرستی ارائه می‌دهند.
- ۱۰- اولین پیام‌ها برای مقابله با سرمایه خارجی در سال ۱۹۰۸ (Huseyin Avni).
- ۱۱ و ۱۲- جنبش‌های کارگری و سوسیالیستی در ترکیه، صفحات ۳۸، ۳۷ و هم‌چنین سندیکالیست‌ها و سیاست از کمال سولکلر.
- ۱۳- Bulgurlu, Konya, Ankara, Eskisehir, Haydarpasa.
- ۱۴- Kadikoy, منشا در ترکیه اعتصابات کارگری با رقص و پایکوبی کارگران همراه با دهل و ساز آغاز و ادامه پیدا می‌کند.
- ۱۵- Huseyin Avni Sanda, حسین آونی شاندا.
- ۱۶- Varna نام یک منطقه در بخش غربی ترکیه.
- ۱۷- Selanik Rumeli Simondferlerinde.
- ۱۸- Manaster.

۱۹. Demirkapi, Metrovice, Uskup
۲۰. جنبش کارگری در ترکیه سال ۱۹۰۸، حسین آونی شاندا، ص ۲۷.
۲۱. Zonguldak
۲۲. Erbegli
۲۳. جنبش‌های کارگری و سوسیالیستی در ترکیه، ششمانوف، ص ۲۹.
۲۴. برای کسب اطلاعات از جمله می‌توان به نوشته‌های سولکلر مراجعه نمود.
۲۵. در این تاریخ با اعلام حکومت نظامی از رشد سریع آگاهی و سازمان‌یابی طبقه کارگر جلوگیری به عمل آمد.
۲۶. Lutfu Eriaci
۲۷. ترکیه در این دوره تاریخی اکثر مواقع توسط دیوان‌عالی جنگ اداره می‌شده، نقل قول اشاره به نقش این ارگان در زندگی مردم ترکیه دارد.
۲۸. سندیکالیست‌ها و سیاست، سولکلر، ص ۲۷.
۲۹. روزنامه اقدام، به تاریخ ۱۹۱۹/۱۰/۲۵.
۳۰. سندیکالیست‌ها و سیاست، سولکلر، ص ۳۲.
۳۱. Amele Birligi (اتحاد عمله)، مته تونچای، ص ۳۱.
۳۲. سندیکالیست‌ها و سیاست، سولکلر، ص ۳۳.
۳۳. این تشکیلات ابتدا به نام «اتحاد عمومی عمله استانبول (U.A.B)» خود را سازمان داد، سپس با نام «اتحاد عمومی عمله ترکیه» به کار سراسری پرداخت.
۳۴. Siali و Aksaray نام دو منطقه در استانبول
۳۵. OkcuK (نوکچون) ص ۱۶۰
۳۶. Murettebini Osmaniye
۳۷. از رهبران شناخته شده حزب کمونیست ترکیه
۳۸. در رابطه با وی بحث‌هایی خواهیم داشت.
۳۹. اتحاد عمله، مته تونچای، ص ۱۲۱.
۴۰. روزنامه Aydinlik (آیدنلیق)، منتشره در سال ۱۹۲۳.
۴۱. تلخیص از روزنامه آیدنلیق، شماره ۱۳، سال ۱۹۲۳، دهم فوریه.
۴۲. TBMM
۴۳. سوم آوریل ۱۹۲۳
۴۴. ۲۰ دسامبر ۱۹۲۳
۴۵. اتحاد عمله، مته تونچای، ص ۱۲۱.
۴۶. همان منبع
۴۷. همان منبع
۴۸. همان منبع ص ۱۲۳

Kar Mozd



آغاز ساختمان پالایشگاه آبادان - اولین نسل کارگران نفت، هنگام ترک کار